



بررسی ابعاد سریال عربی «معاویه، حسن و حسین [علیهما السلام]» و راهکارهای مقابله با آن

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۰۹۵۷
مردادماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱. آشنایی با سریال و دست‌اندرکاران ساخت آن
۸	۲. ضرورت و اهمیت پرداختن به این سریال
۹	۳. پیامدها و تبعات سریال
۱۲	۴. واکنش گسترده علمای جهان اسلام نسبت به ساخت و پخش این سریال
۱۷	۵. چارچوب‌های نظری و ابعاد فهم این سریال و پاسخ‌های محتمل
۲۹	جمع‌بندی
۳۱	پیوست
۳۵	منابع و مأخذ



بررسی ابعاد سریال عربی «معاویه، حسن و حسین [علیهماالسلام]» و راهکارهای مقابله با آن

چکیده

در یک ماه اخیر عکس‌العمل‌ها نسبت به پخش سریالی با موضوع بررسی فتنه‌های صدر اسلام، در جهان عرب بسیار خبرساز شد، این سریال در ابتدا با نام «الاسباط» شناخته می‌شد بعدها به نام «فتنه بزرگ»، «معاویه و دوران فتنه»، «مشعل‌های نور» و در نهایت با نام «معاویه، حسن و حسین [علیهماالسلام]» معرفی شد.

دلیل مناقشات ایجاد شده درباره این سریال این است که دست‌اندرکاران سریال قصد دارند تا همراه با تحریف تاریخ صدر اسلام و اهانت به هویت تشیع، نقش‌های امام حسن و امام حسین (ع) را به دو بازیگر حرفه‌ای همراه با نشان دادن چهره‌های آنها بسپارند. این مسئله با فتاوی غالب علمای شیعه و مراکز مهمی چون الأزهر مصر در تضاد است. خبر پخش این مجموعه شیعیان و برخی از اهل سنت را برای مقابله با این سریال به تکاپو انداخته است، تا جایی که برخی از شیعیان و اهل سنت علیه پخش این سریال به دادگاه‌های کشورشان شکایت کرده‌اند.

تبرئه یزیدبن معاویه در فاجعه شهادت امام حسین (ع)، تبرئه معاویه از نقض صلحنامه با امام حسن (ع) و نشان دادن برتری وی در برابر امام علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع) در وقایع پیش‌آمده فیما بین، تحریف و شبهه‌اندازی در حقایق و مسلمات شیعه و تحریف مذهب شیعه اثنی‌عشری و نسبت دادن این اندیشه به ریشه‌های یهودی، تنزل جایگاه امامان معصومین حسنین (ع) با به تصویر کشیدن آن دو حضرت و نشان دادن آن دو امام معصوم (ع) بدون هیبت و بدون هرگونه وقار و قداست بسان دو انسان عادی از اهداف پنهان این مجموعه دانسته شده است. همچنین روایت تاریخی این سریال تلاش دارد عبدالله بن سبا به‌عنوان شخصیت اصلی سریال را ریشه همه فتنه‌های صدر اسلام از دوره عثمان تا شهادت امام حسین (ع) معرفی کند و این‌گونه القا شود که خود امام علی (ع) و امامان حسن و حسین (ع) به اعتقادات شیعیان امروز درباره فتنه‌های صدر اسلام، اعتقادی نداشته‌اند. در این گزارش تلاش شد تا این پدیده از منظر فقهی، تاریخی، حقوق بین‌الملل، حقوق داخلی، روابط بین‌الملل و روابط ایران و اعراب و روابط مذاهب اسلامی بررسی و متناسب با هر چارچوب نظری پیشنهادهایی برای اقدام‌های بعدی ارائه شود.

از زاویه رسانه‌ای می‌توان گفت که براساس تحلیل بسیاری از کارشناسان رسانه‌ای ایرانی و عرب تولید چنین سریال‌هایی واکنش رسانه‌های عرب به موج سریال‌های ایرانی با موضوعات تاریخی به‌خصوص درباره صدر اسلام است. به‌صورت کلی باید یادآوری کرد که باتوجه به اینکه بخش بزرگی از جمعیت کشورهای عربی شیعه، مستبصر و یا به‌لحاظ اعتقادی با شیعیان همگرا هستند، انتظار واکنش و اقدام عملی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پایگاه جهان تشیع به این سریال موهن، توقعی طبیعی از سوی این جمعیت است و عدم پاسخ به این انتظار ممکن است حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در میان آنها به خطر بیاندازد.

مقدمه

بررسی و رصد فضای پیرامونی و عکس‌العمل صحیح و به‌موقع (با تأکید بر اهمیت بیشتر صفت دوم) از الزامات یک مجموعه و نظام سالم و قدرتمند است، اصولاً بخشی از اقتدار هر فرد، سازمان، ملت، دولت و حتی یک تمدن ناشی از همین عکس‌العمل‌های هوشمندانه و در زمان مناسب است که در قبال وقایع و حوادث داخلی و خارجی خود اتخاذ می‌کند.

مهمترین حوادثی که باید نسبت به آن سریع‌ترین و منطقی‌ترین واکنش‌ها را نشان داد، وقایع و حوادثی است که موجودیت و هویت یک نظام و اندیشه را تهدید می‌کند که در مقوله جنگ نرم قرار می‌گیرند، این‌گونه تهدیدات در واقع امر، خطری فراتر از تهدیدات سخت و حمله نظامی دارند و در صورت هرگونه غفلت دیگر هویتی باقی نمی‌ماند که از آن دفاع شود.

در دو سال گذشته به صورت جسته‌وگریخته اخباری مبنی بر ساخت سریالی توسط یک شرکت کویتی درباره تاریخ صدر اسلام منتشر می‌شد با اعلام داستان فیلم (که مبتنی بر افسانه عبدالله بن سبأ است) و نیز اخباری مبنی بر نشان دادن تصویر امامان شیعه امام حسن و امام حسین (ع)، از حدود یک‌سال گذشته مخالفت‌های بسیاری از سوی شیعیان کشورهای عربی و برخی مراکز مهم اهل سنت در قبال این مجموعه ابراز شد.

تا اینکه اعلان رسمی پخش این سریال در ماه رمضان امسال موجی از اعتراض‌ها را علیه سازندگان و پخش‌کنندگان این سریال در کشورهایمانند کویت و مصر به دنبال داشت.



۱. آشنایی با سریال و دست‌اندرکاران ساخت آن

خبر ساخت سریالی که در آن هنرپیشگان عرب برای نخستین بار نقش نوادگان پیامبر (ص) امام حسن و امام حسین (ع)، حضرت زینب (ع) و برخی اصحاب را بازی می‌کنند، پیامدهای زیادی در جهان اسلام به همراه داشته است.

اخبار اولیه مربوط به ساخت این سریال در اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۸ توسط مدیرعامل شرکت فیلم‌سازی کویتی المها «محمد العنزی» منتشر شد و به‌نظر می‌رسد تا به امروز حدود سه سال از ایده اجرای این سریال گذشته باشد که دست‌اندرکاران آن در یک کنفرانس خبری اعلام کردند که این سریال به زودی به مناسبت ماه مبارک رمضان از ده شبکه ماهواره‌ای در بهترین ساعات، پخش خواهد شد. این سریال که در ابتدا با نام «الاسباط» شناخته می‌شد بعدها به نام «فتنه بزرگ»، «معاویه و دوران فتنه»، «مشعل‌های نور» و در نهایت با نام «معاویه، حسن و حسین [علیهما السلام]» معرفی شد.

دلیل واکنش‌های شدید ایجاد شده درباره این سریال این است که دست‌اندرکاران سریال «محمد العنزی» مدیرعامل شرکت کویتی فیلم‌سازی المها و «عبدالباری ابوالخیر»^۱ کارگردان (سوری) اعلام کرده‌اند که روش جدیدی را در ساخت سریال درباره معصومین (علیهم‌السلام) و صحابه بنا نهاده‌اند. آنها قصد دارند تا نقش‌های امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را به دو بازیگر حرفه‌ای همراه با نشان دادن چهره‌های آنها بسپارند. همچنین یک بازیگر زن نقش حضرت زینب (س) را بازی خواهد کرد.

حساسیت‌ها در این خصوص چنان بالا گرفت که «سامر المصری»^۲ کاندیدای اول بازیگری در نقش امام حسین (ع)، از این امر کناره‌گیری کرد، سامر المصری که قرار بود نقش امام حسین (ع) را در این سریال بازی کند، پس از فیلمبرداری مراحل اولیه سریال از ادامه ایفای نقش امام حسین (ع) عذرخواهی کرد.

بازیگران اردنی نقش امام حسن و امام حسین (ع) هم در پاسخ به این انتقادات در مصاحبه با پایگاه اینترنتی mbc.net اظهار داشتند که در طول کار خود با هیچ فتوای شرعی برای کناره‌گیری

۱. در بین اخبار منتشر شده درباره کارگردان این سریال در سایت‌های عربی مطالبی درباره سوابق وی آمده است، بدون آنکه این مطالب توسط این گزارش تأیید یا تکذیب شود، فقط به ذکر یکی از آنان می‌پردازیم که فردی ادعا کرده است که در دوران دانشجویی با ابوالخیر در یک دانشگاه بوده‌اند، وی در دوره دانشگاه به‌شدت متأثر از افکار کمونیستی بوده و صلاحیت او را برای ساخت سریالی درباره تاریخ صدر اسلام زیر سؤال است.

۲. به بخش ضmannم مراجعه شود.

از کار خود برخوردار نکرده‌اند. «محمد المجالی»^۱ بازیگر نقش امام حسین (ع) بازی در این نقش را بار امانتی سنگین‌تر از همه کوه‌ها دانست و اظهار داشت که با احترام به مخاطب تلاش داشته تا عظمت این شخصیت را نشان دهد، همچنین این دو بازیگر بیان کردند که در آینده هیچ نقشی را بازی نخواهند کرد که خدشه‌ای به حرمت نقش‌هایی که در این سریال بازی کرده‌اند، وارد آورد.

«حسین الحسینی» مشاور مذهبی و تاریخی این سریال نیز در پاسخ به این اعتراضات اعلام کرده «وظیفه سینما، تلویزیون و هنرمندان این حوزه‌ها در حال حاضر این است که آل‌البیت و صحابه پیامبر را به‌عنوان الگو برای جوانان امروز جهان اسلام معرفی کنند».

وی در واکنش به نقدهای وارده درخصوص تصویرسازی خاندان پیامبر نیز افزود: «هیچ متن شرعی در قرآن یا سنت نبوی وجود ندارد که نشان دادن صورت صحابه یا تجسم هنری آنها را حرام بداند. البته برخی از علمای اسلامی نشان دادن عکس صحابه و تجسم آنها را در ترس از مفسده رد می‌کنند ولی گروهی دیگر اجازه چنین کاری را داده‌اند، زیرا معتقد به وجود مصلحت در رساندن پیام اسلامی هستند».

الحسینی ادامه داد: «لذا تصمیم گرفتیم تصویر عثمان و (امام) علی بن ابیطالب (ع) در این سریال نشان داده نشود ولی شخصیت‌های (امامان) حسن و حسین (ع)، زبیر بن عوام و معاویه در این سریال مجسم خواهند شد، در این زمینه نیز اجازه شرعی ۱۸ نفر از علمای اسلامی از جمله «یوسف القرضاوی» رئیس اتحادیه جهانی علمای اسلامی، شیخ «عبدالله بن الشیخ المحفز بن بیه» نایب رئیس اتحادیه جهانی علمای اسلامی و «شیخ حمود الهتار» وزیر اوقاف و ارشاد یمن، «سلمان بن فهد العوده» مدیر مؤسسه الاسلام الیوم و دو مرجع شیعه یعنی «محمدحسین فضل‌الله» و «علی‌الامین» درباره این سریال گرفته شده است».

دکتر «محمد الحسیان» تهیه‌کننده و ناظر این سریال که در نویسندگی فیلمنامه نیز مشارکت داشته است، گفته است: «فیلمنامه این سریال بر پنج محور قرار دارد که هدف از آنها ابراز عظمت و تبیین الگوی اهل‌البیت است. در این سریال زندگی صحابه، زندگی معاویه و افرادی که علیه (امام) علی ابن ابیطالب (ع) شورش کردند و شخصیت عبدالله بن سبأ به تصویر کشیده شده است. ساخت این سریال با استفاده از ۳۰۰ نفر در بخش‌های مختلف، سه سال زمان برد و فیلمبرداری آن در مراکش، اردن، سوریه، امارات و لبنان صورت گرفت».

وی ادامه داد: «این سریال دارای ۳۰ قسمت یک‌ساعته است که ساخت آن هشت میلیون دلار



هزینه^۱ در برداشت و در آینده‌ای نزدیک به زبان‌های انگلیسی، ترکی و اردو نیز دوبله خواهد شد و با تبدیل آن به صورت DVD، در سایر کشورهای عربی اسلامی از مالزی تا ترکیه و اندونزی و اروپا در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت».

همچنین در برخی اخبار درباره این سریال اعلام شده است که شرکت فیلمسازی کویتی المها قصد دارد به غیر از زبان‌های فوق‌الذکر (انگلیسی، ترکی و اردو) سریال خود را به فرانسه و حتی فارسی^۲ دوبله کند. همچنین در گریم بازیگران این سریال از گروه‌های ایرانی و روسی و برای موسیقی آن از یک گروه ترکی استفاده شده است.

شرکت فیلمسازی المها این فیلم را براساس سرمایه‌گذاری شرکت نور ساخته است که به صورت تخصصی به سرمایه‌گذاری در بورس و ساختمان‌سازی اشتغال دارد و براساس برخی اخبار رسیده - که هنوز باید درباره صحت و سقم آنها تحقیق شود- این شرکت حامی برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای ضدشیعه مانند وصال است که به تازگی زبان فارسی خود را هم راه‌اندازی کرده است، شاید از اینجا بتوان دلیل ترجمه این سریال به زبان فارسی را درک کرد.

۱-۱. داستان سریال

در خلاصه داستان این سریال آمده است: «این سریال به زندگانی امامان حسن و حسین (ع) و فتنه بزرگی که پس از رحلت حضرت رسول اکرم (ص) رخ داد و نقش آنان در دفاع از خلیفه سوم عثمان بن عفان و همراهی با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) می‌پردازد، این سریال همچنین کنار رفتن امام حسن (ع) از خلافت (مسلمین) برای ایجاد صلح بین مسلمانان و وحدت امت اسلامی را به نمایش می‌گذارد».

در همین حال شبکه روتانا^۳ در گزارشی درباره این سریال عنوان کرد: «این سریال نقش

۱. با توجه به کیفیت سریال‌ها، فیلم‌های عربی، این هزینه برای تولیدات کشورهای عربی یک تولید عظیم (Big Production) محسوب می‌شود.

۲. برطبق برخی اخبار شبکه MBC Persia که از مجموعه امپراتوری رسانه‌ای عربی MBC وابسته به خاندان سلطنتی عربستان، محسوب می‌شود، قصد داشته تا این سریال را در ماه رمضان امسال پخش کند که به دلیل وجود فشارهای پیش‌بینی شده از این امر منصرف شد.

۳. در طول یک ماه گذشته، در ترویج این سریال، شبکه «روتانا خلیجیه» بیشترین نقش و سرمایه‌گذاری را داشت؛ شبکه ماهواره‌ای روتانا یکی از چندین شبکه ماهواره‌ای متعلق به شاهزاده «ولید بن طلال» است. وی از ثروتمندترین شاهزاده‌های سعودی و از ثروتمندترین مردان جهان عرب و یکی از ده فرد ثروتمند جهان به‌شمار می‌رود. شبکه خبری العربیه نیز یکی دیگر از شبکه‌های ماهواره‌ای وابسته به این شاهزاده سعودی است؛ می‌توان گفت که این شبکه که عمده تمرکز آن بر پخش موسیقی‌های غیرشرعی، فیلم و سریال است و نیز مجموعه‌های اقماری رسانه‌های «بن طلال» در حال حاضر از اصلی‌ترین ابزارها برای ترویج سکولاریسم در جهان عرب به‌شمار می‌روند؛ چندی پیش هم خانم «رجاء قصابنی» مجری مراکشی‌تبار و سرشناس این شبکه درباره آزار و اذیت جنسی خود به‌دست مدیران ارشد این شبکه دست به افشاگری زد و برای فرار از دست آنان این شبکه را ترک کرد.

یهودیان در توطئه و اختلاف‌افکنی بین مسلمانان پس از کشته شدن عثمان را تا شهادت امام حسین (ع) به تصویر می‌کشد».

«محمد الحسیان» تهیه‌کننده و ناظر شرکت فیلمسازی کویتی المها برای تولید این سریال در گفتگو با روتانا گفت: «این سریال براساس حقایق تاریخی ساخته شده و تلاش دارد روابط خوب میان صحابی (حضرت) رسول‌الله (ص) از یک طرف و میان صحابه و اهل بیت (علیهم‌السلام) را از سوی دیگر نشان دهد».

وی افزود: «همان‌طور که می‌دانیم پس از قتل عثمان فتنه‌ای رخ داد، اما می‌بینیم که اصحاب پیامبر با وجود اختلاف، بزرگی و اخلاق را رعایت می‌کردند، اما در این بین «عبدالله بن سبأ» یهودی به اختلاف‌افکنی بین آنان اقدام کرد».

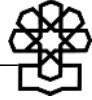
محمدالعنزی مدیرعامل شرکت فیلمسازی کویتی المها - تولیدکننده این فیلم - در مصاحبه‌ای درباره این سریال گفته است: «این کار تاریخی - هنری براساس اصل فرض حسن‌نیت میان صحابه و وجود توطئه یهود در ورای اختلافات آنان صورت خواهد گرفت... این کار تلویزیونی حوادث و فتنه‌هایی را به تصویر خواهد کشید که مسلمانان از هنگام شهادت سیدنا عثمان بن عفان تا شهادت سیدنا حسین [علیه‌السلام] با آن دست به گریبان بودند».

محمدالعنزی هدف این سریال را «نزدیک کردن شیعه و سنی به یکدیگر» بیان کرده و گفته است: «به همین منظور این سریال اصل حسن‌نیت میان صحابه و احترام متقابل میان اهل بیت و یاران پیامبر (رضی‌الله‌عنهم) را مبنای کار خود قرار داده است و فضایل آنان را بازگو خواهد کرد و نیز توطئه یهود را که در شخصیت عبدالله بن سبأ مجسم شده و نقش وی در فتنه‌انگیزی میان مسلمانان را منعکس خواهد ساخت ... این کار هنری با رویه‌ای معتدل دنبال خواهد شد و براساس چنین رویه‌ای به آن خواهیم پرداخت تا بتوانیم مسائل را روشن کرده و همبستگی میان صحابه و اهل بیت در دوره خلافت حضرت عثمان بن عفان را تبیین کنیم».

پس به‌صورت خلاصه براساس صحبت‌های سازندگان آن سریال می‌توان گفت که دو محور در داستان این سریال دنبال خواهد شد:

الف) صحابه و اهل بیت (ع) هیچ مشکل و درگیری و اختلافی با یکدیگر نداشته، بلکه همگی با هم همخون و فامیل بوده‌اند که معنای ضمنی آن رد همه ادعاهای شیعیان مبنی بر ظلم به اهل‌بیت (ع) پس از وفات پیامبر اسلام (ص) است.

ب) تمام فتنه‌های صدر اسلام از قتل عثمان بن عفان تا شهادت امام حسین (ع)، همه و همه ناشی از توطئه پیچیده یهودیان بوده است.



۲-۱. عبدالله بن سبأ که بود؟

همانگونه که از اخبار و اظهارات سازندگان این سریال برمی آید، ظاهراً قرار است عبدالله بن سبأ به عنوان شخصیت اصلی سریال، ریشه همه فتنه‌های صدر اسلام از دوره عثمان تا شهادت امام حسین (ع) معرفی گردد و چنین القا گردد که صحابه پیامبر مانند عثمان و معاویه و امام علی (ع) و نسل بعدی آنان مانند امامان معصوم حسن و حسین (ع) و یزید (علیه‌اللعنه) اصولاً با هم اختلافی نداشته‌اند و درگیری آنان به دلیل فتنه‌انگیزی‌های یک یهودی تازه مسلمان شده به نام عبدالله بن سبأ است. پس به نظر می‌رسد که باید نظر علمای شیعه نسبت به این شخصیت معرفی شود.

در برخی از کتب تاریخ و ملل و نحل، تاریخ و پیدایش مذهب شیعه، در زمان خلافت عثمان بن عفان دانسته شده، و پدیدآورنده آن، عبدالله بن سبأ به شمار آمده است.

اساس این نظریه به فردی به نام سیف‌بن عمر در قرن دوم هجری باز می‌گردد و پس از وی بسیاری از مورخان شهیر مانند طبری و بعدها برخی از متأخرین از نویسندگان اهل سنت و مستشرقین آن را ترویج کرده‌اند و حاصل آن این است که از تشیع در زمان رسول خدا (ص) و خلافت شیخین نشان و اثری نبود، تا آنکه در زمان خلیفه سوم فردی به نام عبدالله بن سبأ که در آغاز یهودی بود و سپس اظهار اسلام کرد در بین مسلمانان نفوذ کرده و به شهرها و مراکز مسلمانان همچون شام، کوفه، بصره و مصر مسافرت می‌کرد و بشارت می‌داد که پیامبر اکرم (ص) هم مانند عیسی بن مریم باز خواهد گشت و علی (ع) وصی محمد (ص) است، آن‌گونه که هر پیامبر را جانشینی است و امام علی (ع) خاتم اوصیاست، آن‌سان که حضرت محمد (ص) خاتم پیامبران است و عثمان حق این وصی را غصب کرده و در حق او ستم نموده است، پس باید با او مبارزه کرد تا حق به حقدار برسد.

عبدالله بن سبأ دعوتگران خود را در مناطق اسلامی پخش کرد و به آنان گفت که امر به معروف و نهی از منکر کنند و از فرمانروایان انتقاد کنند. گروه‌هایی از مسلمانان به او گرویدند که از صحابه بزرگوار یا تابعین شایسته بودند، مثل ابوذر، عمار یاسر، محمد بن حذیفه، عبدالرحمن بن عدیس، محمد بن ابی‌بکر، صعصعة بن صوحان، مالک اشتر و مسلمانان دیگر.

پیروان او در اجرای نقشه پیشوای خود، مردم را بر ضد عثمان می‌شوراندند و نامه‌هایی در نكوهش از حاکمان نوشته به شهرهای دیگر می‌فرستادند. در نتیجه، عده‌ای از مسلمانان با تحریک آنان قیام کردند و به مدینه آمدند و عثمان را در خانه‌اش محاصره کرده و کشتند. همه این حوادث با رهبری و اقدام پیروان عبدالله بن سبأ بود.

بعد از آن مسلمانان باز با تحریک امثال عبدالله بن سبأ به بیعت با علی بن ابی‌طالب (ع) دعوت

شدند عده‌ای از مسلمانان نیز که از او پیروی کردند در این دوران به نام «شیعه علی» نامیده و معروف شدند و پیش از آن کسی به این نام خوانده نمی‌شد.

ولی در این میان طلحه و زبیر بیعت را شکسته به بصره رفتند و خروج کردند، با مذاکره امام علی (ع) این دو از کار خود پشیمان شدند، ولی پیروان ابن‌سبأ چون دیدند سران دو سپاه درحال تفاهمند و اگر تفاهمی صورت گیرد، آنان را به خاطر خون عثمان پیگیری خواهند کرد، شبانه گردآمدند و تصمیم گرفتند که میان دو سپاه نفوذ کنند و بی‌آنکه کسی بفهمد، جنگ را برافروزند. آنان در اجرای این نقشه موفق شدند و پیش از آنکه دو لشکر متخاصم بفهمند، سیاستمداران دو جبهه را نسبت به یکدیگر بدبین کرده و به جان هم انداختند. جنگ بصره این‌گونه رخ داد بی‌آنکه سران دو سپاه، نظری به این کار داشته باشند.

شیعیان در طول تاریخ پاسخ‌های متعددی به این شبهه وارد کرده‌اند که معروف‌ترین و قدرتمندترین آنها علامه امینی صاحب‌الغدیر و علامه عسگری صاحب کتاب «عبدالله بن سبأ» است، علامه سیدمرتضی عسگری در این کتاب دست به تحقیق گسترده و عمیقی زده و ثابت کرده است که مدرک داستان یاد شده در تاریخ طبری، به روایت سیف بن عمر است که او نیز به گواهی علمای رجال متهم به جعل حدیث و زندقه است و طبعاً نمی‌توان به روایت وی در این باره استناد کرد، ایشان داستان فوق را بیشتر شبیه افسانه می‌دانند.

آیه‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء در رد داستان عبدالله بن سبأ می‌گوید: «کتب شیعه به اتفاق، عبدالله بن سبأ را لعن کرده و از او تبری جسته‌اند و عادی‌ترین تعبیر آنان درباره او این است که وی پلیدتر از آن است که از او یاد شود».

حتی عده‌ای از مستشرقین نیز نظریه مزبور را بی‌اساس دانسته‌اند. برنارد لوئیس ضمن بی‌پایه دانستن آن، دیدگاه «ولهوزن» و «فرید لیندر» را در این باره یادآور شده که پس از نقد و بررسی مصادر به این نتیجه رسیده‌اند که داستان عبدالله بن سبأ ساخته و پرداخته متأخرین است.

۲. ضرورت و اهمیت پرداختن به این سریال

این سریال با این مضمون و با به تصویر کشیدن ائمه معصوم شیعه و - حتی براساس صحبت‌های کارگردان آن - صحنه به شهادت رسیدن امام حسین (ع)، باب جدیدی را در تولید سریال‌های تاریخ صدر اسلام می‌گشاید که در صورت غفلت به سنتی برای تولید سایر محصولات از این دست تبدیل خواهد شد.

از سوی دیگر با وجودی که هنوز این سریال به نمایش درنیامده است و فقط اخبار، عکس‌ها و



گوشه‌هایی از این سریال آشکار گشته است، شیعیان و برخی از اهل سنت را برای مقابله با این سریال به تکاپو انداخته است، تا جایی که برخی از شیعیان و اهل سنت علیه پخش این سریال به دادگاه‌های کشورشان شکایت کرده‌اند.

همچنین پیش‌بینی می‌شود که این مسیری باشد که برای تخریب پایه‌های اعتقادی مسلمانان و شیعیان باز شده است لذا باید به‌گونه‌ای در این قضیه تأمل داشته باشیم و برخورد کنیم که در مواردی که در سال‌های آینده حتماً اتفاق خواهد افتاد دست برتر را داشته باشیم.

۳. پیامدها و تبعات سریال

در حوزه فیلم و سریال، هم در فیلم‌های سینمایی و یا یک سریال تلویزیونی با محوریت شخصیت‌های تاریخی و قدسی، در رابطه با مخاطب، همواره ابعادی از آثار احتمالی زیر به میان می‌آید که حساسیت علما به‌عنوان مدافعان و محافظان دین خدا را برمی‌انگیزاند، یک چنین محصولی به‌طور کلی از دو حیث نسبت به مخاطب دارای آثاری است که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱-۳. ابداع صور خیال و تغییر در تصورات مخاطب نسبت به شخصیت تاریخی و قدسی

شخصیت‌های قدسی در هر دینی محل جولان عواطف و شکل‌گیری مناسک مختلفی بوده‌اند. به‌طور مشخص در فرقه‌های مختلف مسیحیت می‌توان به مناسکی که با محوریت شخصیت حضرت مسیح و یا حواریون ایشان و یا حتی شخصیت‌های مذهبی مهم در تاریخ مسیحیت اشاره کرد. در تشیع هم که مشخصاً می‌توان به مجموعه مناسکی که پیرامون شخصیت معصومین حضرات ائمه (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) و حتی نوادگان و بستگان ایشان شکل گرفته است، اشاره کرد.

مجموعه عواطف و مناسک مذکور جلوه‌های متفاوتی در هر دینی داشته است. یکی از این جلوه‌های مربوط به باورهای شمایی است. از آنجایی که محوریت عواطف در هر دین پیرامون یک شخصیت قدسی شکل می‌گیرد، طبیعی است به مرور زمان تصویری - که معمولاً فاقد اصالت تاریخی است - نسبت به این شخصیت‌ها در قالب تصاویر شمایی بروز می‌کند.

برای مثال می‌توان به تمثال حضرت مسیح (ع) در فرقه‌های مختلف مسیحیت اشاره کرد، که بسته به فرهنگ‌های مختلف مسیحی شکل و شمایل متفاوتی به خود می‌گیرد، در خاورمیانه این تمثال واجد شمایل و ویژگی‌های خاورمیانه‌ای نظیر چشم، مو و محاسن سیاه و در سرزمین‌های اروپایی شامل ویژگی‌های اروپایی نظیر چشم‌های روشن، مو و محاسن بور است.

در تاریخ تشیع، به واسطه همین تغییر و تغییری که نسبت به باورهای شمایی صورت

می‌گرفته است و همچنین برداشت علمای دین اسلام مبنی بر منع تصویرگری و مجسمه‌سازی، عمدتاً علمای شیعی نسبت به شکل‌گیری شمایی از معصومین و ائمه (س) و نوادگان و بستگان ایشان موضع منفی داشته‌اند. موارد متعددی از مخالفت علما با تبلیغ و ترویج این شمایل از یک‌سو و مناسکی که با به تصویر کشیدن اهل بیت (علیهم‌السلام) در ارتباط قرار می‌گرفته است - نظیر شبیه‌خوانی و تعزیه - می‌توان ذکر کرد.

شاید یکی از دلایل این مخالفت آن بوده است، که به تصویر کشیدن و مجسم کردن شخصیت‌های قدسی، شکوه و عظمتی که این شخصیت‌ها واجد آن هستند را از بین می‌برد. در سال‌های اخیر، غیر از شمایل‌نگاری‌هایی که تا پیش از این وجود داشته است، حوزه رسانه نیز وارد عرصه تأثیر بر باورهای شمایی شده است. از این جهت علما و متدینین همواره حساسیت خاصی نسبت به تصویر کشیدن شخصیت‌های قدسی در محصولات رسانه‌ای داشته‌اند. نمونه آن را می‌توان در تأکید علمای الازهر و علمای لبنان بر عدم به تصویر کشیدن حضرت رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) در فیلم الرساله یا محمد رسول الله (ص)، واکنش متدینین نسبت به تصویر نامناسبی که از امیرالمؤمنین (ع) در سریال امام علی (ع) نشان داده شد و در این اواخر واکنش منفی و یکپارچه علما و متدینین نسبت به تصویر کشیدن چهره حضرت عباس (ع) در سریال مختارنامه ذکر کرد.

همان‌طور که گفته شد، فارغ از مبانی و چارچوب‌های فقهی، یکی از دلایل اصلی علما و متدینین در مخالفت نسبت به تصویر کشیدن چهره شخصیت‌های قدسی، احتمال مخدوش شدن عظمت و شکوه و تقدس نگاه مردم به شخصیت‌های قدسی بوده است.^۱

از این منظر یکی از مسائل و چالش‌های اصلی سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهم‌السلام]»، به تصویر کشیدن چهره امامان معصوم حسنین (ع) و حضرت زینب (س) است. بخش عمده‌ای از واکنش‌های صورت گرفته به این سریال نیز حول و حوش همین مسئله شکل گرفته است و احتمال آن می‌رود که با نمایش گسترده این سریال در میان جمعیت‌های شیعی کشورهای مختلف و به خصوص ایران، واکنش‌های جدی و وسیعی نسبت به آن صورت گیرد.^۲

۲-۳. ارائه یا تحمیل روایت‌ها و گزاره‌های تاریخی

در کنار این مسئله باید به یک مسئله دیگر در ساخت سریال‌های تاریخی توجه کرد. در تحلیل

۱. رک به سخنان آیت‌الله وحید خراسانی و سایر علما در واکنش به تصویر کشیدن چهره حضرت ابوالفضل (ع) در سریال مختارنامه که در خبرگزاری‌های مختلف منتشر شد.

۲. در ادامه بخش‌هایی از واکنش علما به این سریال آورده شده است.



روایت‌ها و قصه‌گویی‌هایی تاریخی، توجه به این مسئله حائز اهمیت بسیار است که روایت همیشه به شکلی آینه‌گون صورت نمی‌گیرد. درواقع راوی صرفاً قصد ندارد تاریخ را آن‌چنان که هست روایت کند، بلکه از خلال روایت تاریخ و برجسته ساختن برخی وقایع و شخصیت‌ها درواقع مقاصد سیاسی یا فرهنگی خود را دنبال می‌کند. از این منظر تحلیل روایتی که این سریال قصد ارائه آن را دارد نکات جدیدی را مطرح می‌کند.

یکی دیگر از آثاری که سریال‌های تاریخی با محوریت شخصیت‌های قدسی، می‌توانند به دنبال داشته باشند ارائه و گسترش روایتی دیگرگون از تاریخ و دوران زندگی شخصیت‌های قدسی است. از همین رو است که عمدتاً در کنار طراح سناریو و نویسنده فیلمنامه مورخین و علمای دینی وارد فرآیند تألیف فیلمنامه می‌شوند. این مسئله در سریال‌های تاریخی صداوسیما با حضور مشاوران مذهبی و تاریخی پیگیری شده است.

سریال‌ها و فیلم‌های تاریخی با محوریت شخصیت‌های قدسی عمدتاً در ارتباط و ثقی با رقابت‌های گفتمانی قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال سریال امام علی (ع)، فارغ از اشکالات فرعی - که احتمالاً حاصل دخالت سلاطین هنری گروه سازندگان است - درواقع بازنمای عناصر اصلی گفتمان شیعی است که با هویت و فلسفه تاریخ شیعه و نظام جمهوری اسلامی پیوندی اساسی دارد.

اما بخشی از محصولات رسانه‌ای در راستای تقویت گفتمان‌های رقیب و گاه منزوی عمل می‌کنند. نمونه‌ای از این موارد را می‌توان در فیلم آخرین وسوسه مسیح ساخته مارتین اسکورسیزی که بر اساس رمانی به همین نام نوشته کازانتزاکیس ساخته شده است، دید. این فیلم و رمان مذکور درواقع بازنمای یکی از گفتمان‌های مسیحی منزوی است که قائل به ازدواج حضرت مسیح بوده‌اند. از همین رو واکنش‌های شدیدی از سوی واتیکان به‌عنوان معتبرترین و متنفذترین نهاد گفتمان کاتولیک و نیز دیگر مراجع متنفذ مسیحی نسبت به رمان کازانتزاکیس و فیلم اسکورسیزی صورت گرفت. به‌نظر می‌رسد که همین زاویه بحث، جدی‌ترین چالشی است که درباره سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهماالسلام]» مطرح است.

جستجو در سایت‌های شیعیان کشورهای عربی - که به شدت علیه این سریال برانگیخته شده‌اند- نیز حکایت از این دارد که برداشت آنها از اهداف، داستان و روایت این سریال، علاوه‌بر مورد فوق، در موارد زیر قابل خلاصه کردن است:

۱. تبرئه یزید بن معاویه در فاجعه شهادت امام حسین (ع) و صرفاً مجرم دانستن امثال عبیدالله، عمر بن سعد، شمر و اهالی کوفه در این حادثه با استناد بر گفته خود یزید که دستوری برای شهادت امام حسین (ع) نداده است و از ماجرای کربلا بی‌اطلاع بوده است.

۲. ارائه صلح امام حسن مجتبی (ع) به شکل نادرست و تبرئه معاویه از نقض صلحنامه و

نشان دادن برتری وی در برابر امام علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع) در جنگ‌ها و وقایع پیش آمده فی مابین.

۳. یکسان نشان دادن امام حسن و امام حسین (ع) با فاسقی مانند یزید (علیه‌اللعنه).

۴. سفید و مطهر نشان دادن تصویر معاویه و یزید، در حقیقت این سریال استدلال تصویری وهابیون برای برائت معاویه و یزید از نسبت‌هایی است که شیعیان به این دو ملعون وارد می‌کنند.

۵. تحریف و شبه‌اندازی در حقایق و مسلمات شیعه و تحریف مذهب شیعه اثنی‌عشری و نسبت دادن این اندیشه به ریشه‌های توطئه یهودی در دوره خلافت عثمان، حتی در این حد که شیعیان امروز به اموری اعتقاد دارند که خود امامان شیعه هم در صدر اسلام به آنها اعتقادی نداشته‌اند.

۶. تنزل جایگاه امامان معصوم حسنین (ع) با به تصویر کشیدن آن دو حضرت و نشان دادن آن دو امام معصوم (ع) بدون هیبت و بدون هرگونه وقار و قداست بسان دو انسان عادی.

این روایت از وقایع تاریخ صدر اسلام در واقع در راستای تقویت گفتمان سنی و حتی گفتمان وهابی است. گفتمانی که سعی دارد در کنار قدسی‌زدایی از شخصیت‌های محوری تشیع به نحوی خلفای اموی را تطهیر کند.

«ازهر الخفاجی» مورخ عراقی نیز در این‌باره می‌گوید: «متن سریال با استفاده از کتب تاریخی‌ای نوشته شده که توسط حکمای جور اموی و عباسی تهیه شده است. آنها با تهیه این کتاب‌ها می‌خواستند تا دست حاکمان زمان را از آلوده بودن به خون امامین حسنین (ع) تبرئه کنند. بنابراین این کتاب‌ها و در نتیجه مستندات تاریخی این سریال هیچ ارزشی ندارد و جز تحریک احساسات شیعه و سنی نسبت به مقطع حساس تاریخ اسلام یعنی دوره پس از قتل عثمان، فایده دیگری ندارد».

الخفاجی اضافه می‌کند که «تلاش این سریال برای تبرئه معاویه کار احمقانه و بیهوده‌ای است، چراکه متون تاریخی ما دلالت بر دستور مستقیم معاویه به حرب با امام علی (ع) و قتل حسن بن علی (ع) دارد».

۴. واکنش گسترده علمای جهان اسلام نسبت به ساخت و پخش این سریال

با انتشار این اخبار درباره ساخت این سریال و با نزدیک شدن به زمان پخش آن، بسیاری از علما از شیعه و اهل سنت نیز به موضع‌گیری‌های شدید درباره این سریال پرداخته‌اند.

آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی در سخنانی می‌گویند: «براساس آنچه مطلعان به من



گفته‌اند، این سریال در تعارض با اصول شیعه و در پی تبرئه معاویه است. مسئله‌ای که حتی با مستندات تاریخی هم متعارض است. بعید نیست که هدف ساخت سریال برافروختن آتش فتنه میان شیعه و سنی باشد. شاید دست‌هایی از سوی دشمنان وحدت مسلمانان در کار است که با ساخت سریال «الأسباط» به اهداف خود می‌رسند».

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی نیز با تأیید تحریم سریال می‌گویند «از آنجا که دین ناب اسلام در حال گسترش در تمامی نواحی جهان است، اعداء و دشمنان اسلام با این‌گونه ترفندها در پی اختلاف‌افکنی میان مسلمانان هستند تا جلوی گسترش آن را بگیرند. سریال الأسباط ادامه همان راهی است که با کاریکاتور علیه پیامبر اسلام (ص) و ساخت فیلم علیه ایشان و قرآن شروع شده است».

آیت‌الله‌العظمی جعفر سبحانی هم در پاسخ کتبی به استفتاء خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) درخصوص این سریال، خواستار جلوگیری از پخش سریال الأسباط شدند. ایشان در پاسخ به استفتاء گروه فرهنگی ایرنا مرقوم فرمود: «بسمه‌تعالی، اکنون که حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدمحمد باقر مهری فیلم را مضر و موهن تشخیص داده‌اند، باید کوشش شود که از نمایش آن جلوگیری به عمل آید و مسلماً تهیه‌کنندگان این فیلم حسن‌نیت به خاندان رسالت ندارند. شایسته است مجمع جهانی تقریب بین‌المذاهب اسلامی در این مورد اقدام کند که مبادا مایه گسترش اختلاف شود، والله العالم، جعفر سبحانی».

«شیخ علی عبدالباقی» دبیر مجمع مطالعات اسلامی مصر نیز گفت: «الازهر و این مجمع بارها و بارها مخالفت کامل خود را با به تصویر کشیدن انبیای عظام و اهل بیت (ع) و عشره مبشره در قاب سینما و تلویزیون را اعلام کرده‌اند، لذا به‌هیچ‌جه امکان توافق برای ما بر سر این سریال وجود ندارد، در بین ابنای بشر امروز هیچ‌کس به طهارت این افراد نیست که بخواهد در نقش آنها ظاهر شود و این اصلاً عاقلانه نیست که یک بازیگر امروز نقش امام حسین (ع) را ایفا کند و فردا دیده شود که در نقش یک مرد فاسقی بازی کرده که شراب می‌نوشد» وی افزود: «کسانی که در تلویزیون‌ها کار می‌کنند و هدایت آنها را برعهده دارند باید به این نظر فقهی که مجمع مطالعات اسلامی الازهر به عنوان هیئتی فقهی و معتبر صادر کرده التزام داشته باشند». دبیر مجمع مطالعات اسلامی با اشاره به شکایت‌های موجود درباره دیگر سریال‌هایی که انبیای عظام را به تصویر کشیده‌اند، تصریح کرد: «در صورت پخش سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهم‌السلام]» از مقامات مسئول خواهان توقف آن خواهیم شد و همچنین از شبکه‌های پخش‌کننده آن شکایت خواهیم کرد».

شیخ الازهر نیز به تمسک الازهر بر فتوای «مجمع مطالعات اسلامی» مبنی بر حرمت به تصویر

کشیدن انبیای عظام و اهل بیت (ع) و عشره مبشره تأکید کرد و گفت: «الازهر درباره پخش سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهما السلام]» بیانیه صادر خواهد کرد». «احمد الطیب» شیخ الازهر در دیدار با رئیس «نقابة الاشراف» مصر نیز بر تمسک الازهر بر فتوای «مجمع مطالعات اسلامی» وابسته به این دانشگاه بزرگ اسلامی مبنی بر حرمت به تصویر کشیدن انبیای عظام و صحابه کرام و اهل بیت (ع) و عشره مبشره تأکید کرد.

در همین حال «سید محمود الشریف» رئیس شرفاء مصر از ایجاد فتنه مذهبی و اختلافات فقهی بین مسلمانان در پی این سریال ابراز نگرانی کرد و خواستار ابراز رأی ویژه الازهر نسبت به سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهما السلام]» شد. وی تأکید کرد که جمعیت هشت میلیونی اشراف مصر پیش از این نیز با پخش سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهما السلام]» مخالفت کرده و اعلام کرده‌اند: حسنین (ع) خط قرمز اشراف مصر هستند.

«دکتر محمد عبدالستار» وزیر اوقاف و امور دینی سوریه نیز می‌گوید: «ما نمی‌توانیم در مورد نشان دادن چهره امامین حسنین (ع) یا خلفای راشدین و یا امهات المؤمنین در سریال الأسباط^۱ کوتاه بیایم. ما در این مورد از «الشیخ محمد سعید رمضان»، مفتی سوریه استفتا کردیم و او گفت که از آنجا که ممکن است نشان دادن چهره اهل بیت (ع) موجب برافروختن آتش اختلاف میان اهل سنت و شیعیان شود و همچنین مقدمه‌ای باشد بر نشان دادن چهره رسول‌الله (ص) در آثار بعدی، لذا انجام این فعل حرام است».

«آیت‌الله محمدباقر مهری» - از علمای برجسته کویت و وکیل مراجع شیعی در این کشور - که خود از اولین مخالفان این سریال بوده و علیه این سریال در دادگاه‌های کویت به اتهام ایجاد فتنه مذهبی اقامه دعوی کرده است، با اشاره به فتاوی‌ای عظام سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی و صافی گلپایگانی بر حرمت تولید این سریال، تأکید کرده است، زیرا محور اساسی این سریال یعنی «عبدالله بن سبأ» یهودی، فردی خیالی است که برای توجیه ظلم به اهل بیت (علیهم السلام) جعل شده است و با آن شهادت امام حسین (ع) را توجیه کرده‌اند. وی با اشاره به فتوای الازهر درباره حرمت به تصویر کشیدن انبیا، ائمه و عشره مبشره تصریح کرده است که «مهم این است که فردی پاک و مطهر به تصویر کشیده می‌شود و باید بازیگران این نقش‌ها پاک باشند ولی اینچنین نیست لذا شیعیان و همچنین عده‌ای از وکلای کویتی به دنبال شکایت از شرکت فیلمسازی کویتی المها هستند».

در پاسخ به این اعتراضات، محمد العنزلی مدیر شرکت فیلمسازی کویتی المها و تهیه‌کننده عالی

۱. نام ابتدایی سریال: این سریال اکنون با نام «معاویه، حسن و حسین [علیهما السلام]» پخش می‌شود.



سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهماالسلام]» در گفتگو با پایگاه خبری «الان» با اشاره به مشکلات ساخت این سریال، نگرانی بازیگران و مخالفت‌ها در مصر، سوریه و تونس را از دلایل طولانی شدن ساخت سریالش عنوان کرد و بار دیگر مدعی شد چهار فتنه از میان مراجع و علمای شیعه این سریال را تأیید کرده‌اند. وی با بیان اینکه دو کمیته تاریخی و شرعی برای ساخت این سریال راه‌اندازی شده بود، با توهین به «آیت‌الله محمدباقر مهری» افزود: «برخلاف آنچه که می‌گویند این سریال ایجاد فتنه نخواهد کرد و در طول سه سال گذشته (از طرح اولیه تا پایان کار) تلاش کرده‌ایم تا به احدی توهین نشود و به (آیت‌الله) مهری می‌گویم «تقوای خدا را پیشه کن و درباره چیزی که به آن علم نداری سخن نگو»، سریال که پخش نشده چگونه بر آن حکم می‌کنی و به او می‌گویم اول سریال را ببین بعد حرف بزن!»

وی همچنین در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «روتانا الخلیجیه» - که در این غائله می‌توان آن را سردمدار دیگر شبکه‌های عربی برشمرد- از آیت‌الله‌العظمی سیستانی و مرحوم آیت‌الله محمدحسین فضل‌الله به‌عنوان کسانی یاد کرد که اجازه شرعی این تصویرسازی را صادر کرده‌اند، همچنین وی در سخنانی عجیب مدعی شد که در مکاتبه‌ای کتبی با دفتر امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، درباره این سریال از جمله سناریو و مسئله به تصویر کشیدن شخصیت ائمه، اجازه شرعی را اخذ کرده‌اند، مسئله‌ای که تاکنون تکذیب نشده و ممکن است تبعاتی برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

در پاسخ به این ادعاها، نماینده آیت‌الله‌العظمی سیستانی در کربلای معلی اعلام کرد: «موافقت آیت‌الله‌العظمی سیستانی با سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهماالسلام]» مسئله‌ای غیرصحیح است و ملاحظات بسیاری درباره این سریال وجود دارد»، «شیخ عبدالمهدی الکرملایی» امام جمعه کربلای معلی در خطبه‌های نماز جمعه کربلا در صحن حسینی اعلام کرد: «آنچه که برخی رسانه‌ها درباره موافقت آیت‌الله‌العظمی سیستانی با سریال «معاویه، حسن و حسین [علیهماالسلام]» عنوان کرده‌اند مسئله‌ای غیرصحیح است و همین‌جا اعلام می‌کنم این صحبت‌ها مطلقاً صحت ندارد». وی که وکیل رسمی آیت‌الله‌العظمی سیستانی محسوب می‌شود، افزود: «این سریال بخش‌های حساس و مهمی در تاریخ اسلام را به تصویر می‌کشد که مورد اختلاف شدید بین مذاهب اسلامی است و این سریال می‌تواند اختلافات مسلمانان را افزایش دهد».

در همین حال از عراق خبر می‌رسد آیت‌الله‌العظمی شیخ بشیر النجفی از مراجع شیعه عراق نیز خواستار مقابله جدی با سریال‌هایی شد که ائمه (ع) را به تصویر می‌کشد.

«فرج الخضاری»، دبیرکل جمعیت شیعیان کویت هم از وزیر فرهنگ کویت درخواست کرده است تا جلوی تولید و پخش سریال گرفته شود، چراکه این سریال جفای بزرگی در حق اهل‌بیت (ع)

و نیز تاریخ بوده و قصد دارد تا وجود شخصیتی خیالی و غیرواقعی (عبدالله بن سبأ) را در تاریخ بگنجاند و به شخصیت روحانی و قدسی ائمه (ع) توهین نماید.

گروهی از اشراف مکه نیز در بیانیه‌ای خطاب به پادشاه عربستان سعودی، توقف پخش این سریال تلویزیونی را خواستار شدند. اشراف مکه در این بیانیه با اعتراض به پخش سریال یاد شده در برخی شبکه‌های ماهواره‌ای، پخش چنین سریالی را گناه کبیره دانسته و تأکید کردند، با استناد به فتوای شماری از مراجع رسمی، پخش این‌گونه سریال‌ها حرام است. امضاکنندگان این بیانیه، اظهار داشتند، با توجه به فتواهای متعدد، از جمله فتوای هیئت علمای ارشد در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۴۰۳ هجری قمری، شیخ الازهر و مرکز پژوهش‌های اسلامی الازهر، فتوای مجمع فقه اسلامی در انجمن جهان اسلامی و تنی چند از علمای دیگر کشورها، بازی افراد در نقش امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، با ذکر فتواهای متعدد مراجع حرام دانستند، اشراف مکه با درخواست برای توقف بی‌حرمتی به صحابه و اهل بیت پیامبر (ص) و احترام به فتواهای مراجع، تأکید کردند، پخش این‌گونه سریال‌های فتنه‌انگیزانه، شبهه‌آمیز و مشکل‌آفرین است و منطقه در شرایط کنونی ظرفیت چنین نگرانی‌ها و فتنه‌انگیزی‌هایی را ندارد، این گروه از اشراف پخش این سریال را عامل عادی شدن بی‌حرمتی به صحابه پیامبر از سوی تهیه‌کنندگان، نگرانی مسلمانان و ایجاد شبهه در اذهان مخاطب به علت مقایسه بازیگران با شخصیت‌های اصلی سریال‌ها دانستند.

جمع‌بندی از کلیت واکنش‌های صورت گرفته

با بررسی کلیت واکنش‌های صورت گرفته علیه این سریال و پاسخ‌های دست‌اندرکاران ساخت و پخش آن، می‌توان نکات زیر را بیان کرد:

به نظر می‌رسد نگاه دست‌اندرکاران تولید و پخش این سریال به واکنش‌های بعضاً شدید صورت گرفته، به نوعی نگاه فرصت‌طلبانه بوده است، تا جایی‌که شبکه «روتانا خلیجیه» در تیزرهای تبلیغاتی خود درباره این سریال مرتب تأکید دارد که این سریال، سریالی بوده که درباره آن مناقشات زیادی به پا شده و حتی به صورت مرتب بخش‌هایی از صحبت‌های «آیت‌الله محمدباقر مهری» - از علمای برجسته کویت و وکیل مراجع شیعی در این کشور - را برای اثبات مدعای خود پخش می‌کند، یعنی این واکنش‌ها به ابزاری برای این شبکه برای تبلیغ و جذب مخاطب برای این سریال تبدیل شده است و این نکته‌ای است که باید در سازماندهی واکنش‌ها به این سریال در نظر داشت که خود این واکنش‌ها به ابزار تبلیغ سریال تبدیل نشود.

نکته دیگر در همین خصوص این است که می‌توان نگرانی اصلی علمای اهل سنت را در واکنش به



این سریال صرفاً واکنش به تصویرسازی از صحابه و اهل بیت (ع) دانست، اما نگرانی علمای شیعه را فراتر از این مورد، می‌توان نگرانی درباره محتوای موهن سریال و نگرانی از این دانست که این سریال نقطه شروع و آزمایش وضعیت برای آغاز کردن جریانی برای حمله به اعتقادات شیعیان است.

۵. چارچوب‌های نظری و ابعاد فهم این سریال و پاسخ‌های محتمل

با توجه به توصیف‌های صورت گرفته از این سریال، به نظر می‌رسد جهان تشیع و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران و نخبگان آن با پدیده‌ای تازه مواجه شده‌اند که ظاهراً آخرین مورد از این دست هم نخواهد بود، بلکه بابی است که باز شده است و قرار است در این مسیر با اهداف و اغراض متفاوت حرکات مشابه و مکرری صورت بگیرد.

لذا باید فهم درستی از این پدیده در چارچوب‌های صحیح و با نگاهی همه‌جانبه و مصلحت‌گرا داشت تا حرکات و پاسخ‌های ما - حتی اگر با نیت صحیح و صادقانه صورت بگیرد - خود تکمیل‌کننده پازل طراحی شده دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) نباشد.

برای درک این سریال از چهار چارچوب نظری بهره گرفته می‌شود که به نوعی هرکدام بعدی از ابعاد بحث را نشان داده و باید در درک این پدیده هر چهار مورد را همزمان با هم در نظر داشت.

۵-۱. ابعاد فقهی

حوزه فقهی این پدیده می‌تواند اشاره به این موارد داشته باشد که این سریال در پاسخ به این سؤالات فهم شود:

به تصویر کشیدن معصومین از جمله پیامبران و به‌خصوص ائمه هدی (علیهم‌السلام) در سینما و تلویزیون در فقه جعفری و در فقه ائمه چهارگانه اهل سنت به صورت تطبیقی چه حکمی دارد؟ در این باره به نظر می‌رسد هنوز نیاز به کار نظری فراوانی باشد، شاید نیاز باشد تا کارگروهی ویژه در حوزه‌های علمی و نیز در رشته‌های مرتبط در دانشگاه‌ها برای جمع‌آوری همه ابعاد این نوع تصویرسازی تشکیل و چند کار جدی در این حوزه صورت پذیرد.

مجسم کردن معصومین اعم از پیامبران الهی خاصه پیامبر اکرم (ص)، ائمه هدی (علیهم‌السلام) و حتی افرادی که به نوعی برای ادیان، مذاهب و فرقه‌های دیگر مقدس تلقی می‌شوند، اگرچه در نگاه شیعیان مقدس نباشند (مانند عشره مبشره)، با تصویری و رسانه‌ای شدن دنیای امروز و حتی در مواردی با ترسیم داستان‌هایی که زندگی آن بزرگان به‌عنوان سوژه‌ای تابو برای نویسندگان منحرف دستمایه کسب شهرت قرار می‌گیرند، همه و همه مواردی است که باید با سنجش همه ابعاد

آنها به لحاظ مصلحت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد واکاوی قرار گیرد، البته این تصویرسازی و رسانه‌ای کردن این مقولات می‌تواند هم حاوی توهین به مقدسات باشد و هم بدون هیچ توهینی صرفاً مجسم کردن این حضرات در قالب تصویر، رسانه و داستان با استفاده از تخیل و فهم نویسنده - بعضاً صادق - آن باشد.

برجسته‌ترین مورد توهین‌آمیز از این دست حرکت زشت سلمان رشدی در نگارش کتاب آیات شیطانی بود که با پاسخ یکپارچه علمای اسلام و در رأس آنها حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت و حتی سازمان کنفرانس اسلامی نیز در این قضیه به صورت مستقیم وارد شده و با صدور قطعنامه‌ای در برابر آن موضع گرفت. همچنین حرکت موهن چاپ کاریکاتورهای پیامبر (ص) در چند روزنامه اروپایی در همین دسته قرار می‌گیرد.

امروز و درخصوص رسانه و هنرهای نمایشی سؤالاتی فراروی حوزه‌های علمیه و فقه امامیه قرار دارد. مبانی ما در به تصویر کشیدن حضرت یوسف و حضرت مریم چه بوده است؟ و آیا در این تصویرسازی به فقه سایر فرق نظر داشته‌ایم؟ اگر روزی بخواهیم درباره زندگی حضرت زهرا (س) سریالی تهیه کنیم، به لحاظ فقهی باید به نظرات سایر فرق اسلامی توجه کنیم یا خیر؟ سؤالاتی از این دست باید پاسخ داده شده و قوام یابد تا بتوان به یک چارچوب نظری فقهی محکم در این خصوص دست یافت.

البته در این بین باید توجه داشت که درست است که برخی مراجع مهم اهل سنت مانند الأزهر با به تصویر کشیدن امامان حسن و حسین (ع) به شدت مخالفت کرده‌اند، ولی همین مراجع دیدن سریال‌های ایرانی مانند «یوسف پیامبر» و «مریم مقدس» را هم حرام و مضر اعلام کرده بودند، لذا در بررسی فقهی باید مراقب آثار وضعی احکام صادره علیه مذهب تشیع و ایران هم بود.

به‌عنوان مثال با توجه به اخباری درباره ساخت فیلمی درباره کودکی پیامبر توسط کارگردان شهیر ایرانی مجید مجیدی، نحوه تصویرسازی وی از پیامبر، ممکن است، تبعات تنیدی را علیه شیعیان در جهان اسلام ایجاد کند، نحوه چهره‌سازی از پیامبر در این فیلم از نظر فقه شیعه چیست؟ همچنین اخباری موثقی وجود دارد که «بری آزبرن» تهیه‌کننده مشهور هالیوودی و سازنده آثاری مانند سه‌گانه ماتریکس و ارباب حلقه‌ها، درصدد است از ابتدای سال ۲۰۱۲ فیلمی را درباره زندگی پیامبر اسلام، از بدو تولد تا رحلت ایشان بسازد، آیا سازوکار برخورد مناسب با ورود هالیوود به عرصه چهره‌سازی از پیامبر اسلام را فراهم آورده‌ایم؟

البته نکته مهمی که باید در اینجا به آن توجه داشت تلاش برای ایجاد اجماع در بین علمای شیعه، در صورت امکان، در این باره است تا موضع علمای جهان تشیع به دلیل اختلافات فقهی



داخلی به قوت دشمنان منجر نشود.

مثال دیگر حملات همه‌جانبه‌ای است که در چند سال اخیر در حمله به مقدسات مسیحیت در سطح جهان صورت گرفته است، به هر صورت مجرد ماندن و ازدواج نکردن و بالطبع فرزند نداشتن حضرت عیسی از دیدگاه مسیحیان، برخلاف آموزه‌های اسلام، امری مقدس تلقی و در طول حدود دو هزار سال ترویج شده است.

حال اگر افرادی پیدا شوند که در قالب داستان و تولیدات رسانه‌ای و فیلم و سریال، به این بن‌مایه اعتقادی مسیحیان توهین کنند، از دیدگاه ما چه حکمی دارد؟^۱ به نظر فقه ما و فقه سایر فرق اسلام درباره برخورد با افرادی مانند «نیکوس کازانتزاکیس»^۲ نویسنده کتاب «آخرین وسوسه‌های مسیح»^۳ و «مارتین اسکورسیزی» کارگردان فیلم آن چیست؟

به‌عنوان مثال در کشور ایران نیز در مورد کتاب «کد داوینچی»^۴ نوشته نویسنده آمریکایی دن براون^۵ - که آن هم بعدها به فیلم تبدیل شد - وزارت ارشاد پس از ۱۸ بار چاپ کتاب به‌دست برخی ناشران داخلی، با درخواست برخی کشیشان ایرانی به‌دلیل توهین این کتاب به اعتقادات یکی از ادیان به رسمیت شناخته شده قانون اساسی از انتشار مجدد آن جلوگیری به عمل آورد، البته فیلم مشهور رمز داوینچی محصول سال ۲۰۰۶ به کارگردانی ران هاوارد نیز به دلیل اعتراض مسیحیان در بسیاری از کشورهای جهان اجازه اکران نیافت.

مسیحیان در دوران قرون وسطی از آنجا که صورت انسانی را تجلی‌گاه اسماء و صفات الهی می‌دانستند، شمایل‌نگاری را ممنوع کرده بودند. تصاویر قدیسین در کلیساهای آن دوران کوششی برای نشان دادن یک انسان عادی نبوده است، بلکه قصد بیان یک حالت و ماهیت جاودانه فوق انسانی در میان است، به‌طور مثال در اثر منقوش بر موزائیک‌های کلیسای «سانتا ماریا ماجوره» با مضمون جدا شدن ابراهیم (ع) از لوط (ع) (۴۳۰ میلادی) هیچ استفاده‌ای از حرکات برجسته و شکل‌های سه‌بعدی نشده است. در مقطعی از تاریخ با این استدلال که بشر می‌تواند از طریق تصویر حضرت مسیح (ع) و سایر شمایل^۶ قدیسان اسرار حلول خدا را یادآور شود، آن‌را مجاز دانستند، این مسئله نیز ریشه در تفاوت‌های اعتقادی مسیحیت و اسلام دارد.

فلاسفه هنر و مورخان مسلمان تاریخ هنر معتقدند در هنر اسلامی وجود آدمی که در صورت

۱. برای مطالعه بیشتر درباره دیدگاه مسیحیان درباره شمایل‌نگاری افراد مقدس و تفاوت دیدگاه آنان با مسلمانان به بخش ضمیمه همین گزارش به همین نام مراجعه فرمایید.

2. Nikos Kazantzakis
3. Last Temptation of Christ
4. The Da Vinci Code
5. Dan Brown
6. Icons

خداوند آفریده شده است، نمی‌باید مورد تقلید قرار گیرد و همچنین یک اثر هنری که ضرورتاً محدود و یک‌جانبه است، نباید حق او را غصب کند.

از سوی دیگر هیچ چیزی که حتی به شیوه نسبی و گذرا بتواند به شکل نوعی «بت» درآید، نباید میان انسان و حضور نامرئی خداوند عایق و مانعی ایجاد کند. در اسلام آنچه هر چیز دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شهادت لاله‌الاله‌الاالله است. این شهادت هر نوع تعیین بخشیدن و صورت خارجی دادن ذات خداوند را پیش از آنکه حتی تحقق پذیرد نقش برآب می‌کند. بنابراین فهم دینی و روح آسمانی مسلمانان با ظهور هنری مانند مینیاتور به دست ایرانیان چندان بیگانه نیست.

بنابراین در هنر اسلامی تصویرسازی از خداوند نوعی بت‌پرستی است، چراکه خداوند فوق هر توصیفی دانسته می‌شود. تصویرسازی از خلقت خداوند نیز کفرآمیز است زیرا شائبه خلقت موجودی جاندار را در پی دارد، تصویرسازی تقلید خلقت خداوندی است. خداوند انسان را مطابق صورت خود آفریده است (خلق الله آدم علی صورته) او خلیفه الله است، لذا به تصویر کشیدن او یعنی بازسازی صورت خدا و این فعلی کفرآمیز است.

از طرفی این فعل تصویر انسان را در حدود جهانی‌اش محدود می‌سازد. انسان محل حضور فیض الهی است. همین نگرش موجب شد از بیم اهانت به انسان‌های کامل که بالفعل حقیقت الهی را محقق کرده‌اند، رسم تصاویرشان ممنوع باشد. در تاریخ هنر و معماری اسلامی نیز تزئین مساجد با شمایل‌نگاری همواره ممنوع بوده است. هیچ حضوری نباید در مقابل حضور نامرئی خداوند جلوه کند. در اسلام همواره «تنزیه» بر «تشبیه» ترجیح داده شده است.

بنابراین در نظر اسلام شمایل‌نگاری به صورت امری زائد در می‌آید، در اسلام، خطاطی که گویی تجسم مرئی کلمه الهی است، جای شمایل‌نگاری و هنرهای تجسمی مانند نقاشی را گرفته است. نتیجه این بوده که هیچگاه هنرهایی چون مجسمه‌سازی و نقاشی در هنر اسلامی متولد نشده و توسعه نیافته است (انواعی از هنرهای تجسمی نظیر مینیاتور یا نگارگری در نظر فلاسفه هنر اساساً نقاشی به معنای مصطلح دانسته نمی‌شود).

موضوع دوم حکم برخورد با منتشرکنندگان این سریال است، به دلیل فتوای عموم فقهای شیعه و اکثر علمای اهل سنت ساخت، پخش و مشاهده این سریال حرام است و این حرمت باعث شده که تا آنجا که تحقیق شده است، بجز شبکه ۶ مراکش، هیچ شبکه دولتی عربی و غیرعربی آن را در ماه مبارک رمضان امسال پخش نکند، اما این سریال از حدود ۱۰ شبکه عربی خصوصی و شبه‌خصوصی مانند «روتانا خلیجیه»، «التحریر»، «النهار» و «الحیات» پخش خواهد شد، حال سؤال اینجاست که به لحاظ فقهی

باید چه برخوردی با عوامل این بدعت و احتمالاً فتنه مذهبی صورت بگیرد؟



البته به نظر می‌رسد در این حوزه می‌توان بین سازندگان آگاه و مغرض و منتشرکنندگانی که از عمق فتنه خبر ندارند و صرفاً به دلیل جذب مخاطب ممکن است با این جریان همراه شوند، تفکیک قائل شد تا بتوان ضربات جدی‌تر را بر بخش‌های جبهه فتنه وارد آورد و از متحد شدن افراد بی‌مورد در آن جبهه ممانعت کرد.

۲-۵. ابعاد تاریخی

این سریال گزاره‌های تاریخی خاصی را پررنگ می‌کند که با طرح آنها - که موارد ناآشنایی هم نیستند- قصد دارد روایت خود از صدر اسلام را تثبیت کرده و نتایج سیاسی، اجتماعی و اعتقادی خود را برداشت کند.

فهم این پدیده به‌عنوان یک پدیده‌ای که درصدد نقل تاریخی است که از دیدگاه ما یک تاریخ تحریف شده محسوب می‌شود، لاجرم ما را به این نقطه می‌رساند که از نظرگاه علم تاریخ باید ابزار لازم را برای تدوین روایت‌های تاریخی خود از مقطع صدر اسلام داشته باشیم.

این همان نقطه‌ای است که تاریخ برای کلیت جمهوری اسلامی معنایی استراتژیک می‌یابد که بقای او توجه به تدوین چارچوب‌ها و تئوری‌های تاریخی (به‌خصوص تاریخ صدر اسلام) گره می‌خورد و تا این ابزار در دست ما نباشد همواره در مواجهه با چنین پدیده‌هایی دچار ضعف خواهیم بود.

طراحی رشته‌های مرتبط و به روز و نیز تربیت اساتید مبرز تاریخ در حوزه و دانشگاه و برقراری گفتگوهای علمی جدی در سطح جهان اسلام و دانشگاه‌های دنیا به ما در حرکت ایجابی و سلبی در این خصوص کمک خواهد کرد.

البته می‌توان در این مورد خاص با برگزاری مناظره‌های تلویزیونی و نیز مناظره‌هایی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های دینی سراسر دنیای اسلام، در فضایی که دشمنان اهل بیت (ع) توجهات مسلمانان را به این مقطع تاریخی جلب کرده‌اند، از این فضا به نفع آگاه‌سازی بهره برد، البته باید توجه داشت که با توجه به گستردگی فضای ارتباطی طی ۲۰ سال آینده و وجود شبهات گسترده و دسته‌بندی شده علیه اعتقادات شیعی، برای شیعیان راهی بجز پاسخگویی مستدل درباره این مقطع تاریخی وجود نخواهد داشت، البته با پخش این سریال فضایی هم در بین اهل سنت ایجاد خواهد شد که چرا ما درباره امامان حسن و حسین (ع) به این مقدار کم می‌دانیم، که در صورت بهره‌گیری مناسب این فضا بهترین موقع برای بیان دیدگاه شیعیان درباره مظلومی است که علیه اهل بیت (ع) روا شده است.

۳-۵. ابعاد حقوقی

می‌توان در کنار موارد فوق به ابعاد حقوقی فعلی و آینده این پدیده توجه کرد کما اینکه شیعیان و غیرشیعیان علاقمند به اهل بیت پیامبر (ع) در کشورهایمانند مصر و کویت این موضوع را موضوعی حقوقی در نظر گرفته و علیه سازندگان آن به دادگاه‌های کشورهای متبوعشان شکایت برده‌اند.

آیا می‌توان در این نبرد حقوقی به افراد فوق‌الذکر بدون تبعات خاص کمک کرد؟ آیا می‌توان در همه کشورهای اسلامی و در محاکم رسمی به صورت حقوقی طرح دعوی کرده و با ضربه زدن به منافع اساسی تهیه‌کنندگان این فتنه مذهبی با گرفتن احکام دادگاه‌های این کشورها، باب این مسئله را برای همیشه در کشورهای اسلامی بسته نگه داشت؟ بررسی این پدیده از زاویه چنین سؤالاتی می‌تواند دریچه جدیدی را به سوی ما بگشاید. این نشان می‌دهد که ما نیاز به افراد متخصصی داریم که نظام حقوقی کشورهای اسلامی را به خوبی شناخته و ظرفیت‌ها آنها را برای بررسی موردی مانند مورد گفته شده سنجیده و سپس اقدام کنند.

در همین ماجرا اصرار برخی افراد برای اقامه دعوی در محاکم کشورشان به خصوص در کویت و مصر باعث شده است که ظاهراً بجز شبکه ۶ مراکش، دیگر هیچ شبکه دولتی عربی این سریال را نمایش نخواهد داد و این خود موفقیتی بزرگ در این مقطع است که مخاطبان این سریال را تا حد زیادی کاهش داده است.

ازسویی تکیه به حقوق بین‌الملل و مواردی از قبیل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) در این باره محل تأمل است، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که گاهی از آن به اختصار تحت عنوان «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» یا با علائم اختصاری ICCPR یا CCPR نیز یاد می‌شود در زمره مهمترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است که منعکس‌کننده حقوق معروف به نسل اول حقوق بشر است. ماده (۱۹) آنکه به بیان محدودیت‌های مشروع آزادی بیان می‌پردازد، درگیری‌های قومی و مذهبی را از خطوط قرمز آزادی بیان به شمار می‌آورد، باید بررسی‌های بیشتری صورت گیرد که آیا از این طریق می‌توان در مجامع بین‌المللی اقامه دعوی نمود؟ همچنین باید بررسی کرد که این نوع اقامه دعوی ممکن است در آینده تبعاتی داشته باشد که گریبان جمهوری اسلامی ایران را هم در موارد مشابه بگیرد؟

درخصوص نظام حقوقی داخلی نیز به نظر می‌رسد که باید از هم‌اکنون به فکر تبعات این اثر در داخل کشور بود. اگر اراده‌ای قصد آن را داشته باشد که به صورت DVD با دوبله فارسی و با قیمت نازل این سریال را در داخل کشور و یا حداقل در مناطق با اکثریت اهل سنت توزیع نماید، برخورد حقوقی جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟



۴-۵. ابعاد رقابت و ستیز رسانه‌ای

به‌طور قطع و یقین، براساس تحلیل بسیاری از کارشناسان رسانه‌ای ایرانی و عرب می‌توان گفت که تولید چنین سریال‌هایی واکنش رسانه‌های عرب به موج سریال‌های ایرانی با موضوعات تاریخی به‌خصوص صدر اسلام است که مخاطبان عظیمی را در جهان عرب مجذوب تولیدات ایرانی کرده است و در حقیقت تولید این سریال در عین اینکه یک عمل انفعالی است، اما حمله سنگین رسانه‌های عرب به این موج رسانه‌ای ایرانی محسوب می‌شود.

ایجاد شبکه‌های العالم، الکوثر و آی‌فیلم در کنار منظومه‌ای از رسانه‌های همسو با انقلاب اسلامی که در قالب «اتحادیه رادیو تلویزیون‌های جهان اسلام» فعالیت می‌کنند، فضای نو و تازه‌ای را در برابر مردم منطقه و بلکه مسلمانان کل جهان گشود و میزان استقبال زایدالوصف بخشی از امت اسلامی از این رسانه‌ها به‌خصوص شیعیان نشان‌دهنده عمق تأثیرگذاری این رسانه‌ها محسوب می‌شود، هم‌اکنون مجموعه «اتحادیه رادیو تلویزیون‌های جهان اسلام» با حدود ۲۰۰ رادیو و تلویزیون به هشت زبان زنده دنیا در حدود ۳۰ کشور برنامه پخش می‌کند که خود همین مجموعه در عین حالی که در ابتدای راه و فعالیت خود است، یکی از ثمرات بزرگ فرهنگ انقلاب اسلامی در جهان اسلام محسوب می‌شود.

این فضا علاوه بر اثبات توانمندی رسانه‌های ایرانی و جلب توجه مسلمانان و حتی عموم اقلیت‌هایی مانند مسیحیان در منطقه، نوعی اعتماد به رسانه‌های ایرانی ایجاد می‌کرد که قابلیت ترجمه در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی را دارد.

در چنین فضای سنگینی که حدود هزار شبکه رادیویی و تلویزیونی در منطقه خاورمیانه در نبرد برای کسب بیشترین سهم از مخاطبین منطقه‌ای تلاش می‌کنند، چه قائل به این باشیم که در پس پرده این رقابت رسانه‌ای برنامه‌ریزی برای تهاجم به افکار و اعتقادات مخاطبان وجود دارد (نظریه وجود توطئه) و چه صرفاً منافع اقتصادی - سیاسی - فرهنگی را عامل هدایت این رقابت (بدون وجود هیچ‌گونه توطئه طراحی شده و صرفاً برای جذب مخاطب بیشتر و فروش تبلیغات بازرگانی بیشتر) بدانیم، در نهایت نمی‌توان کتمان کرد که رقابتی شدید بین این رسانه‌ها جریان دارد که به سمت جنگ و ستیز رسانه‌ای میل می‌کند، البته نگاهی به سوابق شبکه‌های اصلی پشتیبان این سریال مورد بررسی گزینه اول را در ذهن پررنگ‌تر می‌نماید.

اگر در این رقابت یا به‌عبارت بهتر نبرد و ستیز رسانه‌ای، هدف جلب توجه و اعتماد مخاطبان و نگهداشت آن در طول زمان است، رسانه‌های ایرانی به صورت خاص و رسانه‌های همسو با انقلاب اسلامی به صورت عام، در طول چند سال اخیر اثبات کرده‌اند که در برابر بسیاری از

رسانه‌های منطقه از مزیت‌های غیرقابل انکاری برخوردارند، که قطعاً یکی از این موارد تولید فیلم و سریال عقیقانه در چارچوب قواعد پوشش اسلامی است، سریال‌هایی که همه آنها را می‌توان بدون ترس از صحنه‌های مستهجن به همراه همه اعضای خانواده دید، امری که امروزه برای خانواده‌های مذهبی در همه کشورهای اسلامی با هر مذهبی، به یک امر مهم و نیاز فوری تبدیل شده است که این نیاز را این مجموعه رسانه‌ها به بهترین وجه برآورده می‌کنند و در این میان اخبار و اطلاعات نشان می‌دهد که فیلم و سریال‌های ایرانی با موضوع زندگی مردان قدسی و حوادث تاریخ صدر اسلام در بین همه این نوع مخاطبان مقبولیت عام یافته است، مجموعه‌هایی چون «مردان آنجلس»، «امام علی (ع)»، «تنهاترین سردار»، «ولایت عشق»، «مریم مقدس»، «یوسف پیامبر» و «مختارنامه» از همین دست آثار دانسته می‌شوند.

اگرچه در تلویزیون‌های جهان عرب کم سریال تاریخی ساخته شده است، ولی نوع روایت، نوع بازی‌گردانی، عظمت تولید و حتی مواردی مانند موسیقی و گریم و جلوه‌های ویژه این سریال‌ها با متناظر ایرانی خود فاصله زیادی دارند، که ساخت این نوع سریال نشان می‌دهد که شرکت‌های فیلمسازی عربی درصدد فتح این قله‌ها برای جذب و نگهداشت مخاطبان خود هستند، اگرچه صرف هشت میلیون دلار و آوردن گروه گریم از ایران و استفاده از آهنگسازان ترک خبر از این تغییر می‌دهد، ولی به نظر نمی‌آید شبکه‌های عربی برای پر کردن این شکاف در کوتاه‌مدت به پای رسانه‌های ایرانی برسند.

البته این ستیز رسانه‌ای فقط در حوزه فیلم و سریال نبوده و در حوزه‌هایی مانند خبر نیز به شدت در جریان است که باید به صورت جدی این نبرد رسانه‌ای مدیریت شده که به نظر می‌رسد بهترین قرارگاه هماهنگی «اتحادیه رادیو تلویزیون‌های جهان اسلام» باشد.

با پذیرش این کلیت ترسیم شده از فضای رسانه‌ای، می‌توان در این مورد خاص نیز مجموعه‌ای از عملکردها را مدنظر قرار داد:

- باید مجموعه‌ای از برنامه‌ها در قالب‌های نمایشی، خبری، تحلیلی، مستند، گفتگومحور و... برای پخش از مجموعه‌ای از رسانه‌های معتقد به فرهنگ انقلاب اسلامی در همه جهان اسلام آماده شود.
- مباحث فقهی و تاریخی این سریال باید در برنامه‌های متعدد گفتگومحور و مستند با رعایت حساسیت‌های حال حاضر جهان مورد بحث قرار گرفته تا برای بخشی از حقیقت‌جویان روشنگر راه شود، در بخش‌های خبری با رعایت مهارت و نکات دقیق مربوطه اخبار مربوط به شعله‌ور شدن خشم جهان اسلام از این فتنه مطرح و واکنش‌های صورت گرفته به خوبی پوشش داده شود.
- اما به نظر می‌رسد در کنار همه این مباحث باید به سمت پاسخگویی به این بدعت در قالب فیلم



و سریال‌های استراتژیک درباره صدر اسلام برآمد.

دیگر نمی‌توان به مقوله فیلم و سریال صرفاً به‌عنوان یک امر تفریحی و برای پر کردن اوقات فراغت نگاه کرد، بلکه این مقوله به مسئله‌ای استراتژیک و مهم برای بقای موجودیت و رشد ما تبدیل شده است، هم‌اکنون ظرفیت جهش در تولید محصولات رسانه‌ای استراتژیک در کشور وجود دارد که باید هماهنگ و به صورت کامل (به خصوص به لحاظ مالی) پشتیبانی شوند.

صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و سازمان سینمایی کشور می‌توانند به قرارگاه‌های مناسبی برای این امر تبدیل شوند، می‌توان براساس ظرفیت‌های موجود به یقین بیان داشت که ساخت سالیانه پنج فیلم سینمایی استراتژیک و یک سریال استراتژیک به‌دست صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و پنج فیلم سینمایی استراتژیک به‌دست سازمان سینمایی کشور امری ممکن و در کوتاه‌مدت کاملاً قابل حصول است که می‌توان برنامه‌ریزی رقیبان رسانه‌ای کشور را تا حد زیادی در هم بشکند.

در حوزه تولید فیلم و سریال استراتژیک نمی‌توان با بودجه‌های فعلی امید به تحول خاصی داشت، باید این اندیشه در ذهن سیاستگذاران کشور به وجود آید که با همان استدلال که همه کشورها برای دفاع از خود بیشترین هزینه‌ها را به بودجه نظامی اختصاص می‌دهند، به همان دلیل و برای دفاع از هویت جمهوری اسلامی و جهان تشیع و حتی جهان اسلام باید بودجه‌هایی کلان و البته با برنامه و نظارت به این مقوله اختصاص داد.

در تهیه این پروژه‌ها مهمترین نقش متعلق به افرادی است که بتوانند عمق مباحث اعتقادی و هویتی ما را درک کرده، آن را در قالب هنر بریزند و با مدیریت و برنامه‌ای دقیق فی‌المثل یک سریال استراتژیک را در طول مدت ۱۰ سال به نتیجه برسانند.

شناسایی و تربیت این افراد درحال حاضر مسئله‌ای ضروری برای کشور بوده و به نظر نمی‌رسد که با نظام فعلی آموزش و تربیت هنرمند در کشور این مسئله به سرانجامی برسد. اکنون اصلاح نظام تربیت هنرمند با این مشخصات از ضروریاتی است که ولو با شکسته شدن بخشی از نظام آموزش رسمی کشور باید دنبال شود، باید بخشی از ضرورت وجودی و تعریف عملیاتی مراکزی مانند دانشگاه سوره و دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به این مقوله اختصاص یافته و ایجاد ساختار لازم به این امر اقدام کنند.

همچنین می‌توان با حمایت از ایجاد بنیادهایی زیر نظر افراد صاحب صلاحیت و سالم به لحاظ اعتقادی و هنری که خود در سال‌های اخیر تجربه ساخت سریال‌های به اصطلاح «ویژه الف» را داشته‌اند، می‌توان کل پروژه‌های ساخت را به چنین بنیادهایی واگذار کرد که هم از طریق فروش بین‌المللی این فیلم‌ها و سریال‌ها هزینه‌های خود را تأمین کنند (قابل توجه است که درحال حاضر

این نوع فیلم و سریال‌های ایرانی برای خود نام و نشان بین‌المللی هم کسب کرده‌اند) و هم در عمل افراد گزینش شده در حین ساخت چنین پروژه‌هایی تربیت شوند و هم تولیدات چنین بنیادهایی به‌عنوان نظر رسمی جمهوری اسلامی تلقی نشده و نظام اسلامی از تبعات احتمالی آن برکنار بماند. در حوزه ساخت سریال‌های استراتژیک قبل از اینکه برخی از رقبای ما بتوانند در ساخت سریال‌های خود به سمت بین‌المللی شدن پیش بروند (کما اینکه در تولید همین سریال همین طرح را پیش برده‌اند)، ما باید اقدام کنیم، چراکه اگر در این حوزه‌ها جبهه‌های مقابل هم (ولو به صورت غیررسمی) شکل بگیرد، یارگیری از جبهه مقابل و شکستن مرزهای ایجاد شده ممکن است دشوار باشد. سیاست تولید فیلم‌ها و سریال‌های با هویت انقلابی ولی با همکاری بین‌المللی می‌تواند در بلندمدت یک جبهه هنری قدرتمند در برابر جریان غالب بین‌المللی ایجاد کند.

۵-۵. ابعاد ستیز همه‌جانبه میان برخی دولت‌های عربی و ایران

این حوزه به صورت جدی در حوزه روابط بین‌الملل و دیپلماسی ایران در قبال کشورهای عربی قابل بیان است. نوع فضای رابطه ایران با همسایگان غربی خود در حدود پانصد سال گذشته از دوره عثمانی تا بعد از تجزیه شدن این امپراتوری عظیم یک نوع رقابت منطقه‌ای ایجاد کرده است که بسیار عمیق و همه‌جانبه است، این فضای تاریخی با آمدن انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و بعدها آمریکایی‌ها دچار پیچیدگی‌های فراوانی شد، مسائل مرزی و ارضی، قومیتی، فرقه‌ای و مذهبی، تقسیم منابع طبیعی از نفت گرفته تا آب و... وضعیت بسیار شکننده‌ای را بر منطقه غالب کرده است که اندکی بی‌توجهی می‌تواند آن را به انفجار بکشاند، این روابط در مرزهای خود بارها خونین شده است که جنگ ایران و رژیم بعث عراق و دو جنگ لشگرهای اشغالگر غربی در همین مرزها از آخرین‌های آنهاست.

ظهور ناسیونالیسم عربی، ترکی و ایرانی پس از جنگ دوم در منطقه ما واگرایی جدیدی را در این منطقه ایجاد کرده که بر روی بستر شکاف‌های تاریخی، عملاً وضعیت را به جایی رسانده است که در حال حاضر منطقه ما در یکی از بی‌ثبات‌ترین حالات خود در یک قرن گذشته قرار گرفته است، هرگونه حرکت نسنجیده در هر یک از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای، اعتقادی و... می‌تواند همه حوزه‌های دیگر و روابط کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده و حتی به بحران بکشاند، البته مرزهای هویتی منطقه در حال حاضر از تقابل عرب و عجم فاصله گرفته و به مرزهای عقیدتی تبدیل می‌شود، فی‌المثل در لبنان، سوریه، عراق، فلسطین و اخیراً مصر شاهد آن هستیم که پروژه ایران‌هراسی و هدایت ناسیونالیسم عربی برای مقابله با ایران در حال شکست



است و در میان عموم مردم این کشورها، به خصوص اقشار مذهبی‌تر (که اکثریت را تشکیل می‌دهند)، گرایش مثبتی نسبت به ایران وجود دارد.

لذا در این خصوص به نظر می‌رسد، مغزهای متفکر ضدایران جهان عرب در حال تغییر پارادایم مقابله با ایران از تقابل عربی - ایرانی (که اکنون جنگ دولت‌های ضد مردم عرب با ایران است) به جنگ عقیدتی است، تا در این صورت هزینه‌های مقابله با ایران به جای اینکه بر دوش دولت‌های عرب قرار گیرد، از جیب اعتقادات مردم پرداخت شود و حتی مانند دوره اوج ناسیونالیسم عربی، دولت‌ها برای مقابله با دشمن اعتقادات و سرزمین‌های مردم عرب (این بار ایران به جای اسرائیل) برای خود مشروعیت کسب کنند.

از سوی دیگر در پدیده‌ای مانند این سریال به زیرکی نقش یهود را در شکل‌گیری تشیع بررسی کرده و به صورت ناخودآگاه قصد دارد که بگوید آن حاصل توطئه یهودی که قرآن آن همه در مذمت آن سخن گفته است همین شیعیان و در رأس آن پایگاه حکومتی آنها ایران است و به تدریج دشمن اصلی مردم عرب را از اسرائیل به سمت ایران منحرف کند.

به هر صورت با توجه به پشتیبانی غیررسمی برخی دولت‌های عربی از این فرآیند، به نظر می‌رسد که لازم است از توان دستگاه دیپلماسی کشور هم برای مقابله با این جریان - البته با توجه به همه حساسیت‌های موجود در روابط بین ایران و کشورها عربی - بهره برد.

اگر فرایند مقابله با این طرح شوم درست اجرا شود، می‌توان با بدل حرکت صورت گرفته خواست اعتقادی بخش مهمی از مردم جهان عرب را در مقابل ماجراجویی دولت‌های ضد مردمی عرب هم قرار داده و از آنها مشروعیت‌زدایی کرد و البته در صورت اجرای نامناسب مردم عرب و اعتقادات مسلمانان فراتر از مرزهای عربی در مقابل جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد.

نکته دیگری که در همین زمینه لازم به یادآوری است، اینکه در یک برآورد ساده می‌توان گفت حدود یک‌چهارم جمعیت کشورهای عربی شیعه، مستبصر و یا به لحاظ اعتقادی تفاوتی با شیعیان ندارند، این جمعیت بیش از ۵۰ میلیونی در انتظار واکنش و اقدام عملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان پایگاه جهان تشیع به این سریال موهن است، انتظاری که اگر برآورده نشود ممکن است حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در میان این جمعیت عظیم به خطر بیاندازد.

۵-۶. ابعاد درگیری‌های مذهبی بین جهان تشیع و اهل تسنن

همان‌گونه که گفته شد تلاش همه‌جانبه‌ای پس از انقلاب اسلامی ایران به دست برخی کشورهای عربی و غربی صورت گرفت تا با پررنگ شدن تقاضای مردمی برای حضور دین در عرصه اجتماع

با انحراف این خواست مقدس، آن را به سمت تقابل عقیدتی سوق دهند، تا با این عمل هم از صدور انقلاب اسلامی به خارج از مرزهای ایران جلوگیری کنند، هم تأثیرات عمومی «ایران شیعه» را بر روی سایر «مسلمانان سنی‌مذهب» کم‌رنگ‌تر کنند و هم با ایجاد یک دشمن علیه ملت، عقیده و احتمالاً سرزمین، برای خود کسب مشروعیت کنند.

فرا روایت‌های کلان دو مذهب مذکور از تاریخ صدر اسلام، به مرور زمان، ساختار خاص و معتقدانی را به وجود آورده است، که می‌توان طیفی از سلفیان تکفیری تا شیعیان واقعی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) شامل می‌شود. این مجموعه‌ها بارها در طول تاریخ با هم روابطی از نوع درگیری‌های خونین، تکفیر، مناظره‌های جدی، همزیستی مسالمت‌آمیز و... با یکدیگر داشته‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نظریه کلان و مورد تأیید حضرت امام خمینی (ره) درباره اختلافات مذهبی، تئوری «وحدت مذاهب اسلامی» یا «تقریب مذاهب اسلامی» و نیز طرح مفهوم «اسلام ناب» در مقابل «اسلام آمریکایی» بوده است که تجربه مواجهه جمهوری اسلامی با این نوع قضایا تاکنون در ذیل همین تئوری بوده است.

برای مواجهه با پدیده‌هایی مانند همین سریال موهن نیز باید در همین چارچوب عمل کرد تا نقشه کسانی که قصد دارند با این نوع فضا سازی‌ها درگیری مذهبی ایجاد کنند و ذهن مسلمانان را از دشمن اصلی منحرف نمایند، به شکست بکشانند، ضمن یادآوری همراه با حزن حادثه جانسوز اسائه ادب به آستان قدس حرمین عسگریین در سامرا، چارچوب اصلی برخورد نظام جمهوری اسلامی ایران و رهبری گرانقدر در این مورد تأسفبار «وحدت بین مذاهب اسلامی» و «جلوگیری از ایجاد جنگ مذهبی» بود و این سریال قطعاً با آن فاجعه عظیم فاصله دارد.

از سوی دیگر باید از همین حادثه در راستای وحدت علما و امت اسلامی بهره برد و مابین علما و افرادی که اعتقاد دارند این حرکت یک حرکت ضداسلامی و ضدوحدت مذاهب اسلامی است، یک همگرایی هوشمندانه و با در نظر گرفتن نکات لازم به وجود آورد.

البته باید توجه داشت که شعار دست‌اندرکاران این سریال هم «وحدت فرق اسلامی» و «حوار» بین آنهاست و بارها در مصاحبه‌های خود تأکید داشته‌اند که این سریال قرار است نشان دهد که اصولاً صحابه با هم مشکلی نداشته و حتی اینها افرادی همخون بوده که به دلیل اختلاف‌افکنی و فتنه یهود، برخی مشکلات بین آنها به وجود آمده است و اینکه از این اختلافات در نظر برداشت دشمنی بین صحابه و اهل بیت (ع) داشته باشیم صحیح نیست.

چارچوب روایت این سریال بر این محور استوار است که میان عثمان و خلفای اموی از یکسو و امیرالمؤمنین (ع) و امامان معصوم حسنین (ع) از سوی دیگر اختلاف اساسی وجود نداشته است



و ریشه مسائل پیش‌آمده را باید در اختلاف‌افکنی شخصی یهودی به نام عبدالله بن سبأ جستجو کرد. در واقع راوی این داستان قصدی سیاسی از طرح این قصه ساختگی دارد. ظاهراً او به دنبال طرح و تحمیل این گزاره است که همان‌طور که در تاریخ صدر اسلام یهودیان میان سران شیعه و سنی اختلاف می‌افکندند، امروز هم میان شیعه و سنی اختلافی نیست و هر اختلافی هست نتیجه اقدامات شیطنت‌آمیز یهود (رژیم اشغالگر قدس) است.

این ایده گرچه در بادی امر بسیار جذاب می‌نماید و شباهت‌هایی هم با سیاست وحدت بین مذاهب که مورد تأکید نظام است نشان می‌دهد، اما اگر به ظرافت در آن توجه شود ابعاد خطرناک آن بیشتر مشخص می‌شود.

نکته قابل توجه این است که روایت مذکور مدعی است اختلافی میان خلفای سه‌گانه و خلفای اموی از یک‌سو و امامان شیعه وجود نداشته است. در حالی که سیاست وحدت در نظام جمهوری اسلامی بر این تأکید می‌کند که اختلاف نظری میان شیعه و سنی وجود دارد و اتفاقاً باید در محافل علمی به آن توجه شود، اما نباید این اختلاف به نزاع‌های سیاسی که به نفع دشمنان جهان اسلام تمام می‌شود تبدیل گردد.

نکته دیگر آن است که در صورت پذیرش این روایت از سوی گفتمان شیعه، هویت اساسی این گفتمان زیر سؤال می‌رود. قیام امام حسین (ع) علیه یزید یکی از اصلی‌ترین و محوری‌ترین دال‌های گفتمان تشیع است. تقلیل این حادثه به یک اختلاف نظر قابل اغماض که نتیجه شیطنت یک شخصیت مشکوک است، در واقع به زیر سؤال بردن پایه‌های هویت شیعی است، از این منظر روایت مورد نظر سازندگان سریال، روایتی نیست که منتج به ایجاد وحدت شود، بلکه زمینه‌ای برای ایجاد تفرقه و دشمنی میان مذاهب اسلامی ایجاد می‌کند، که باید در مواجهه با این پدیده پیچیده، در چارچوب اصول وحدت اسلامی مورد نظر امام خمینی (ره)، این‌گونه برخورد منافقانه دست‌اندرکاران این سریال را در نظر داشت.

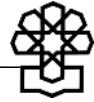
جمع‌بندی

تهیه و پخش «سریال معاویه، حسن و حسین [علیهما السلام]»، یک بدعت تازه در تولیدات رسانه‌ای عربی است که اگر به صورت جدی، هوشمندانه و به‌موقع با آن برخورد نشود ممکن است سنت سیئه‌ای را در بخشی از رسانه‌های عرب ایجاد کند که نه تنها تهدیدی برای هویت ملی جمهوری اسلامی و پایه‌های استراتژیک اعتقادی آن محسوب شود که اصولاً مبانی تشیع را در عالم اسلام نشانه رود و میراثی که با شهادت و جهاد خون‌ها و نفس‌های پاک به دست ما رسیده است این‌چنین

در معرض شبهات سلفی‌های تکفیری قرار گیرد. از سوی دیگر علاقمندان به فرهنگ انقلاب اسلامی در همه بلاد، منتظر موضع‌گیری جمهوری اسلامی هستند که عدم پاسخگویی به این درخواست به حق ممکن است تبعاتی را برای ما به همراه داشته باشد.

در این گزارش تلاش شد تا با پیشنهاد بررسی این پدیده از منظر فقهی، تاریخ، حقوق بین‌الملل، حقوق داخلی، روابط بین‌الملل و روابط ایران و اعراب و روابط مذاهب اسلامی بررسی و متناسب با هر چارچوب نظری پیشنهادات اولیه‌ای ارائه شود.

اما بدیهی است که این بحث با توجه به تبعاتی که برای آن متصور است، نیاز به استفاده از اندیشه همه نخبگان مرتبط در کشور را دارد که می‌توان در ذیل هرکدام از عناوین چارچوب نظری معرفی شده به بحث بیشتر پرداخت.



پیوست

نام سریال از روی تیتراژ آن

توجه شود که نام معاویه بالاتر از نام امام حسن (ع) و امام حسین (ع) قرار گرفته است:



«خالد الغویری» در نقش امام حسن (ع)

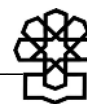


«سامر المصری»، کاندیدای اول بازیگری در نقش امام حسین (ع) که از این امر به دلیل تبعات آن کناره‌گیری کرد.



چهره گریم شده سامر المصری برای ایفای نقش امام حسین (ع)





محمدالمجالی در نقش امام حسین (ع)

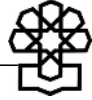


پوسترهای سریال از امامان حسن و حسین (ع)



تاج حیدر بازیگر نقش حضرت زینب (س)





منابع و مأخذ

۱. پایگاه خبری حوار و تجدید <http://hiwart.net>
 ۲. شبکه العراق الثقافیه <http://www.iraqcenter.net>
 ۳. المصدر سنی نیوز <http://www.sunni-news.net>
 ۴. المصدر شبکه تنویر الفلستینییه <http://www.pal-tanweer.net>
 ۵. الموقع الرسمي لقناة المخلص <http://www.elmokhalestv.com>
 ۶. المصدر آی فیلم <http://www.ifilmtv.ir>
 ۷. روزنامه الاهرام <http://www.ahram.org.eg>
 ۸. سایت شبکه روتانا <http://www.rotana.net>
 ۹. قاعده بيانات الافلام العربیه <http://www.elcinema.com>
 ۱۰. خبرگزاری فارس <http://www.farsnews.com>
 ۱۱. خبرگزاری ایرنا <http://www.irna.ir>
 ۱۲. سایت خبری فردانیوز <http://www.fardanews.com>
 ۱۳. شبکه خبری تابناک <http://www.tabnak.com>
 ۱۴. سایت خبری جهان نیوز <http://www.jahannews.com>
 ۱۵. سایت خبری تحلیلی عصر ایران <http://www.asriran.com>
 ۱۶. سایت الف <http://www.alef.ir>
 ۱۷. سایت خبری رجانیوز <http://www.rajanews.com>
 ۱۸. سایت خبری تحلیلی صدای شیعه <http://www.sedayeshia.com>
 ۱۹. سایت خیمه نیوز <http://www.kheimhnews.com>
20. The Internet Movie Database <http://www.imdb.com>



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۰۹۵۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی ابعاد سریال عربی «معاویه، حسن و حسین [علیهم‌السلام]» و راهکارهای مقابله با آن

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه هنر و رسانه)

تهیه و تدوین: محمدحسین ساعی

ناظر علمی: وحید یامین‌پور

همکار: سیدعلی کشفی

اعضای کارگروه: علی جعفری، سینا کلهر، سیدعلی کشفی، محمدحسین ساعی، وحید یامین‌پور

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: سینا کلهر

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۵/۱۸